

## جایگاه زبان فارسی در آفریقا

علیرضا جلندی\*

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های رایزنی‌های فرهنگی ج.ا.ایران در کشورهای مختلف آفریقایی از بدو پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ترویج و توسعه زبان فارسی بوده است. در این راستا از اوایل دهه ۱۳۶۰ که به تدریج نمایندگی‌های فرهنگی ج.ا.ایران در کشورهای همچون تانزانیا، کنیا، اوگاندا، اتیوپی، زیمبابوه، نیجریه، سیرالئون، غنا و... تأسیس شد، آموزش زبان فارسی و تشویق مردم این کشورها به فراگیری این زبان در رأس اولویت‌های مراکز فرهنگی بوده است. از اولین سال‌های تأسیس این مراکز فرهنگی، اقدامات گوناگونی همچون تشکیل کلاس‌های آموزش زبان فارسی و چاپ و انتشار برخی از جزوات به زبان فارسی انجام شده است. در ضمن رایزنی‌های فرهنگی نیز به تشکیل کلاس‌های زبان فارسی در داخل نمایندگی‌های فرهنگی و همچنین دانشگاه‌های

---

\* کارشناس مرکز مطالعات فرهنگی - بین‌المللی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

این کشورها اقدام و سعی کردند مردم (خصوصاً دانشجویان) را به یادگیری زبان و ادبیات فارسی تشویق کنند.

برپایی دوره‌های آموزش زبان فارسی و تشکیل اردوهای آموزشی برای دانشجویان شرکت‌کننده در این دوره‌ها، از مهمترین اقداماتی بوده است که از آن سال‌ها تا کنون کم و بیش به شیوه‌های یکسان در تمامی مراکز فرهنگی ج.ا.ایران در کشورهای آفریقایی ادامه یافته است. در این مسیر پیشرفت‌هایی مقطعی نیز به دست آمده و در مقاطعی برخی از شرکت‌کنندگان در دوره‌های مربوط حتی تا مرحله صحبت کردن به زبان فارسی (در حد ابتدایی و برآوردن نیازهای اولیه) پیش رفته‌اند. با این حال دوره‌های آموزش زبان فارسی معمولاً تا مرحله ای ادامه یافته و پس از آن به حالت رکود درآمده است. این در حالی است که در اکثر ریزنی‌ها برای تشویق دانشجویان دوره‌ها، جوایزی در نظر گرفته شده و حتی در مواردی محدود، برخی از نمایندگی‌های فرهنگی هزینه رفت و آمد شرکت‌کنندگان در کلاس‌های زبان فارسی را نیز تقبل کرده‌اند. با این حال این اقدامات و حتی برگزاری اردوهای تفریحی به مناطق گردشگری این کشورها به مدت چند روز نیز نتوانسته است موجبات جذب و ثابت ماندن شرکت‌کنندگان در دوره‌های آموزش زبان فارسی را فراهم آورد.

مهم‌ترین نکته در این خصوص سؤالی اساسی است که از ابتدای تشکیل دوره‌های آموزش زبان فارسی ذهن شرکت‌کنندگان را به خود مشغول می‌دارد: حضور در این کلاس‌ها و فراگیری زبان فارسی چه مزیتی را به دنبال دارد؟ به عبارت دیگر، اکثر دانشجویان شرکت‌کننده در کلاس‌های زبان فارسی همواره این سؤال را مطرح می‌کنند که یادگیری فارسی چه تأثیری در آینده آنها خواهد داشت. این امر با توجه به مشکل گسترده بیکاری در بین دانش‌آموختگان مراکز دانشگاهی کشورهای آفریقایی، نقش مهمی را در ایجاد انگیزه در شرکت‌کنندگان دوره‌های زبان فارسی ایفا می‌کند. در حقیقت باید گفت تقریباً تمامی شرکت‌کنندگان در دوره‌های آموزش زبان فارسی به این زبان به عنوان ابزاری برای به دست آوردن شغلی مناسب می‌نگرند و در این اندیشه‌اند که آیا یادگیری

زبان فارسی و اخذ گواهینامه معتبر آموزش زبان فارسی می‌تواند به آنها در تصدی شغلی مناسب کمک کند؟ این سؤال بارها در کلاس‌ها طرح می‌شود و آنان از اساتید دوره که معمولاً رایزنان و یا نفرات دوم رایزنی هستند، انتظار پاسخ دارند. طبیعتاً اساتدان دوره نیز در پاسخ به این سؤال درباره اهمیت زبان فارسی به عنوان دومین زبان جهان اسلام، زبانی که جمعیتی در حدود یکصد میلیون نفر را در قاره آسیا تحت پوشش خود قرار داده است، سخن می‌گویند و سعی می‌کنند که از این طریق دانشجویان را به فراگیری زبان فارسی تشویق کنند. با این حال عملاً سؤال دانشجویان بی‌پاسخ می‌ماند. در واقع یادگیری زبان فارسی در کشورهایی همچون تانزانیا، کنیا، نیجریه، سیرالئون، زیمبابوه، غنا و... هیچ‌گاه شغلی را برای دانش‌آموختگان این دوره‌ها تضمین نمی‌کند. این امر بدان سبب است که سفارتخانه‌ها و رایزنی‌های فرهنگی ج.ا.ایران در این کشورها معمولاً از تعداد محدودی کارمندان محلی بهره می‌گیرند که یک یا دو تن از آنان به زبان فارسی تسلط دارند و افزایش شمار کارمندان محلی این مرکز نیز در اولویت کاری آنها نیست. دیگر مراکز ایران، همچون نمایندگی شرکت‌های تجاری دولتی و خصوصی نیز رغبتی به استخدام فارسی‌زبانان فارغ‌التحصیل دوره‌های مزبور نشان نمی‌دهند و یا در نهایت یک نفر را به کار می‌گیرند که از بین ۲۰ تا ۳۰ شرکت‌کننده در دوره‌های آموزش زبان فارسی، بسیار محدود و اندک به شمار می‌رود. به علاوه شرکت‌کنندگان در دوره‌های آموزش زبان فارسی معمولاً علاقه‌مندند که پس از اتمام دوره به ایران سفر کنند، مدتی را در این کشور سپری کرده، زبان خود را تکمیل کنند؛ ولی اعزام دانش‌آموختگان مزبور معمولاً با سختی و مشقت فراوان، پس از نامه‌نگاری متعدد با مرکز انجام می‌شود و در صورت موافقت مرکز، یک یا دو نفر از افرادی که در این دوره‌ها شرکت کرده‌اند، موفق می‌شوند که از طریق سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی برای دوره‌های کوتاه مدت به ایران اعزام شوند. این عوامل به همراه عواملی دیگر در مجموع موجبات بی‌انگیزگی شرکت‌کنندگان دوره‌های آموزش زبان فارسی را فراهم می‌آورد. به گونه‌ای که پس از مدتی کوتاه به تدریج شمار شرکت‌کنندگان در این کلاس‌ها تقلیل می‌یابد و رایزنی‌های فرهنگی پس از

مدتی با مشاهده اینکه تنها یک یا دو نفر در کلاس‌های زبان فارسی شرکت می‌کنند، یا مجبور به تعطیل کلاس‌ها می‌شوند و یا صرفاً به دلیل انجام وظیفه این دوره‌ها را ادامه می‌دهند؛ در حالی که خود نیز به بی‌نتیجه بودن آن آگاهند.

این در حالی است که در کشورهای مذکور، سایر مراکز فرهنگی کشورهای مختلف (همچون آلمان، فرانسه و چین) نیز به تشکیل کلاس‌های آموزش زبان‌های خود اقدام می‌کنند و با وجود دریافت شهریه از شرکت‌کنندگان، با استقبال محافل دانشگاهی مواجه می‌شوند. این امر صرفاً بدان سبب است که یادگیری زبان‌های فرانسه و آلمانی و حتی چینی می‌تواند آینده شغلی برخی از شرکت‌کنندگان را تضمین کند و سبب فراهم آوردن تسهیلاتی برای دانش‌آموختگان این دوره‌ها در استخدام در شرکت‌های چند ملیتی فرانسوی، آلمانی و چینی در کشورهای آفریقایی شود. جالب اینجاست که برخی از دانشجویانی که مدتی در کلاس‌های زبان فارسی شرکت کرده و سپس رهسپار دیگر دوره‌های آموزشی زبان‌هایی همچون فرانسه، آلمانی و... شده‌اند، از زبان فارسی به عنوان زبانی زیبا و جذاب که آهنگی شیرین دارد، یاد کرده، حتی از ترک این کلاس‌ها اظهار تأسف می‌کنند. با وجود این انگیزه‌های اقتصادی را مهم‌ترین دلیل در فراگیری زبان‌هایی غیر از زبان انگلیسی (که به آن تسلط دارند) می‌دانند.

شایان ذکر است در دوره‌های آموزش زبان فارسی در کشورهای آفریقایی معمولاً تعداد بسیار محدودی از شیعیان هندی و لبنانی نیز شرکت می‌کنند. بیشتر این افراد که تمکن مالی دارند، مدرسان خود را تا پایان دوره همراهی می‌کنند و فقط به دلیل انگیزه‌های دینی خود و علاقه فراوان به یادگیری زبان فارسی، در دوره‌ها شرکت می‌کنند. این افراد حتی در مواردی پس از پایان دوره‌های آموزش زبان فارسی در رایزنی‌های فرهنگی، با هزینه شخصی خویش به ایران سفر کرده، با حضور در شهرهای زیارتی همچون قم و مشهد دانش فارسی خود را تکمیل می‌کنند.

در مجموع باید گفت اگرچه آموزش زبان فارسی همواره یکی از وظایف اصلی رایزنی‌های فرهنگی در بخش‌های مختلف جهان به شمار می‌رود، ولی تا زمانی که این امر

در آفریقا وسیله‌ای برای بهبود وضعیت اقتصادی است، نمی‌توان موقعیت آن را مستحکم دانست. این موضوع البته ریشه در مشکلات قاره آفریقا دارد و طبعاً ناشی از عدم تلاش رایزنان فرهنگی نیست؛ بلکه ناشی از آمیختگی فقر فرهنگی با فقر اقتصادی در این کشور است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



شروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی